

فرهنگ نام آوران معاصر ایران

کارها در برخی از دستگاهها به‌ویژه دستگاههای دولتی یا شبه‌دولتی است. امیدواریم دانشنامه کنونی به این آسیب شناخته‌جامعه ما دچار نیاید و فرجامی خوش داشته باشد.

فرهنگ نام آوران معاصر دو مقدمه مسوط دارد؛ یکی در فن زندگی‌نامه‌نویسی که با دیدی عالمانه نوشته شده و بر آگاهی استفاده‌کننده می‌افزاید، زیرا به اطلاعاتی سودمند درباره این فن دست می‌یابد و با منابع زندگی‌نامه‌نویسی، نقاط قوت و ضعف هر یک و مخاطرات و محاذراتی که زندگی‌نامه‌نویس با آن دست به‌گریبان است آشنا می‌شود. مقدمه دیگر به ویژگیهای «فرهنگ نام آوران...» می‌پردازد و مقولاتی چون محدوده زمانی پژوهش، روش دستیابی به زندگی‌نامه‌ها، تعریف عنوان دانشنامه، روش نوشتن و تدوین مدخلها و اشخاص و دستگاههای همکار را مورد توجه و بحث قرار می‌دهد.

از آنجا که «فرهنگ نام آوران...» به معرفی چهره‌های سرشناس در گذشته بسنده نکرده و زندگان را نیز در حیطه کار آورده است، شاید این دشواری را در پی داشته باشد که شناسایی همه چهره‌های زنده موجب کند شدن روند تدوین فرهنگ شود و چه‌بسا که زمان انجام کار را افزایش دهد و احتمال گلايه و آزرده‌گی کسانی که به دلیلی نامشان در فرهنگ نیامده وجود دارد. با این حال، برخی دشواریها از عوارض ناگزیر این‌گونه کارهاست و نباید مانع و سد راه کار فرهنگی تلقی شود. تهیه‌کنندگان این‌گونه دانشنامه‌ها به‌ویژه در کشور ما، بدان سبب که نام و نشان ارباب فرهنگ را ثبت می‌کنند و برای آیندگان می‌گذارند، کاری سزاوار می‌کنند. چرا که جامعه ما در همه تاریخ خود از ندانستن نام و نشان بزرگان خویش رنج برده است، چرا که نه خود آن بزرگان

چند سالی است که در فضای فرهنگی ایران، رویکرد به دانشنامه‌نویسی شتاب گرفته است و این رویکردی است خجسته، چرا که در درازنای تاریخ فرهنگ این مرز و بوم آثار مرجعی که همگان از آن بهره‌مند شوند همواره کمیاب بوده و این اقبال به دانشنامه‌نویسی در زمینه‌های گوناگون می‌تواند پیام آور شکوفایی فرهنگی آینده باشد. بی‌شک نسلهای اکنون و آینده که در پژوهش علمی و فرهنگی کمبودها و نارساییها را کمتر احساس خواهند کرد، ارجمندی کار دست‌اندرکاران دانشنامه‌ها را درک خواهند کرد و قدرشان را خواهند شناخت. از جمله دانشنامه‌هایی که به تازگی چاپ شده و مجلد اول آن (حرف آ) در دسترس خوانندگان علاقه‌مند است **فرهنگ نام آوران معاصر ایران** نام دارد که با روش علمی با بهره‌گیری از فنون و روشهای پذیرفته زندگی‌نامه‌نویسی امروز، معرفی چهره‌های سرشناس و تخرشای صد سال اخیر را که به وجهی در تاریخ و سرنوشت مردم ایران اثر داشته‌اند، به عهده گرفته است. دایره شمول این فرهنگ گسترده است و چنانکه مجلد اول که تنها حرف «آ» را دربردارد نشان می‌دهد، تنها منحصر به ارباب قلم و اهالی شعر و ادب نیست، بل صاحبان مشاغل گوناگون و چهره‌ها و شخصیت‌های سیاسی، اقتصادی، علمی، مذهبی، نظامی، هنری، ورزشی... را که در جامعه شناخته و مؤثر بوده‌اند دربرمی‌گیرد. با این طرح و برداشت، فرهنگ نام آوران معاصر ایران دارای مجلدات زیادی خواهد شد و به پایان رسیدن کار به درازا خواهد کشید، اما باکی نیست که سرشت کار دانشنامه‌نویسی چنین اقتضا دارد. کار علمی آن هم در حجم کلان شناپذیری برنمی‌تابد. تنها واقعیتی که می‌تواند نگران‌کننده باشد، و تجربه نشان داده، بی‌ثباتی و ناپیوستگی این‌گونه

داده‌اند، زیرا کسانی را که در یکی از ماههای سال ۱۳۰۰ ق. در گذشته باشند یا در یکی از ماههای سال ۱۴۰۰ ق. به دنیا آمده باشند نیز دربرمی‌گیرد. با این حال پی‌آمد ناگزیر این محدودیت زمانی، گنج‌ناییده نشدن مردان بزرگ علم و ادب و سیاست دوره آغازین تا اواخر فرمانروایی دودمان قاجار است. اما کاری نتوان کرد که هرگاه زمان را مرزبندی کنیم، بیرون ماندن گروهی در این سو و آن سوی مرز ناگزیر می‌نماید. در پایان اجازه می‌خواهم به رسم ملائقطی‌ها دو سه نکته را یادآوری

کنم:

۱. در مقدمه دوم صفحه «ده» واژه فناوری «فن آوری» نوشته شده که درست به نظر نمی‌آید. زیرا این واژه نوساخته موفق (فن + آ + وری) است، به معنی پرفن و بسیار فن (به قرینه دلاور، جنگاور، جگرآور) نه ساخته شده از (فن + آور).

۲. شادروان دکتر امیرحسین آریانپور دکترای ادبیات فارسی داشت و دروس دکترای فلسفه و علوم تربیتی را گذرانده بودند، اما چون تز خود را نگذرانده بودند، در این رشته درجه دکتری نداشتند.

۳. غلامعلی رعدی آذرخشی درست نیست و باید رعدی آذرخشی نوشت. آذرخشی به جای آذرخشی در محاورات جا افتاده و شاید به همان اعتبار در مدخل مربوط ثبت شده است.

۴. در مقدمه (ص ۵) جمله «از تباری به تباری دیگر سپرده می‌شود» درست به نظر نمی‌رسد، زیرا تبار به معنی اصل و نژاد است نه به معنی نسل. از نسلی به نسل دیگر بهتر به نظر می‌رسد. به هر حال فرهنگ نام **آوران معاصر ایران** ارمانی است مغتنم که باید سپاسگزار پدیدآورندگان آن باشیم.



درباره خود چیزی نوشته‌اند و نه دیگران این کار را می‌کرده‌اند. این کمبود از یک سو با ناشناخته نهادن اهل فضل و هنر موجب زیان علمی و فرهنگی فراوان شده و از دیگر سو، به خرافات و اوهام و افسانه‌هایی که در پیرامون زندگانی بزرگان شکل می‌گیرد، و با نقل شفاهی و سینه به سینه، هر روز پیچیده‌تر شده دامن زده است.

راستی کیست که بخواهد درباره مردان بزرگی چون فردوسی، فارابی، حکیم عمر خیام، نظامی گنجوی، سعدی، حافظ و... به پژوهش دست یازد و به علت به دست نیاموردن اطلاعات کافی و منابع موثق دچار افسوس و دریغ نشود؟ حتی اغلب درباره نام راستین این بزرگان اختلاف هست.

دشواری دیگر انطباق لفظ «معاصر» بر زمان است. تهیه‌کنندگان «فرهنگ نام آوران...» برای گریز از پریشان کاری و محدود ساختن زمان پژوهش فاصله یک صدساله ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ ق. را برگزیده‌اند. این کاری است ناگزیر که البته با تعریف این محدوده آن را تا حد زیادی بسط